

خب، حالا که درباره انتقادهای صحبت می‌کنیم، یکی از انتقادهایی که خود شما هم در گذشته چند بار مطرح کرده بودید، این بود که برخی با رانت و نام‌های جعلی عضو صندوق شده بودند. چه سرنوشتی پیدا کردند؟ آیا از صندوق خارج شده‌اند یا وضعیتشان روشن شده است؟

اتفاقاً در این زمینه کارهای خوبی انجام شد. وقتی یک جمعیت بزرگ در یک مجموعه از منافع مالی و خدمات حمایتی استفاده می‌کنند، تعیین تکلیف و شفاف‌سازی وضعیتشان زمان‌بر و دشوار است. مثل ماجرای یارانه‌ها که سال‌ها بحث بود چه کسی در کدام دهک است، چه کسی ناعادلانه حذف شده یا نشده. هر جای پای خدمات مالی و حمایتی به میان می‌آید، پالایش و تعیین تکلیف، کار آسانی نیست.

در مقطعی، دیدیم اگر بخواهیم با روش‌های معمول جلو برویم، شاید هرگز به هدف صددرصدی نرسیم و حتی ممکن است ناعدالتی یا حاقی رخ دهد. برای همین، مدتی روی این موضوع کار کردیم و به مدلی رسیدیم که هم اثربخشی بالایی داشت و هم باعث شد اطلاعات ما به تدریج کامل‌تر شود. بر اساس این مدل، در هر استان، ابتدا گروهی از افراد که از خدمات اصلی صندوق استفاده می‌کردند، شناسایی شدند. فرم‌ها و مشخصات این افراد به صورت بسته‌بندی شده در اختیار نماینده صندوق در استان و مدیر کل استان قرار گرفت. بعد این بسته‌ها به شهرستان‌ها ارسال شد. من خودم چند سال مدیر شهرستان بودم و می‌دانم در شهرستان‌ها به دلیل جمعیت کمتر، ارتباطات نزدیک‌تر و شناخت عمومی بیشتر است؛ فعالان، خبرنگاران، نویسندگان و هنرمندان در یک شهر ۵۰-۴۰ هزار نفری یا ۱۰۰ هزار نفری تقریباً برای همه شناخته شده‌اند. بنابراین مدل را به گونه‌ای طراحی کردیم که شناسایی از درون شهرستان‌ها انجام شود، چون اعضای ما در همان جا زندگی و فعالیت می‌کنند.

به مدیران شهرستان‌ها حدود یک ماه زمان داده شد تا تک‌تک فرم‌ها را بررسی کنند؛ برخی افراد را حضوری دعوت کردند، بعضی را تلفنی، و مشخص کردند: این فرد فعالیت هنری دارد؛ این یکی چهار-پنج سال یا ده سال است فعالیت نداشته؛ آن یکی اصلاً فعالیت فرهنگی هنری ندارد و ارتباطش با این حوزه قطع است. بعد از حدود دو ماه بررسی در سطح شهرستان‌ها، تیمی خبره از ستاد تهران - شامل پنج، شش نفر - به استان‌ها رفتند. در هر استان حدود یک هفته مستقر می‌شدند. ابتدا با مدیران شهرستان‌ها جلسه کارگروه برگزار می‌کردند، پرونده تک‌تک افراد بررسی می‌شد، حتی در بعضی موارد با خود افراد تماس گرفته می‌شد یا دعوتشان می‌کردند.

سپس نتایج هر شهرستان در جلسه کارگروه استانی جمع‌بندی می‌شد. و در نهایت، برای هر استان مشخص شد که از مثلاً هزار نفر عضو، چندصد نفر هیچ‌گونه فعالیت هنری ندارند و طی سال‌ها به تدریج عضو شده‌اند بدون اینکه واجد شرایط واقعی باشند.

چند استان را با این شیوه بررسی و نهایی کرده‌اید؟ و آیا عددی که باید حذف می‌شد، قابل توجه بود؟

تا امروز ۲۷ استان را بررسی کرده‌ایم و در دو سه استان باقی‌مانده نیز تا پایان سال کار به نتیجه می‌رسد. در مجموع، عدد قابل توجهی - حدود ۷ تا ۸، شاید تا ۱۰ هزار نفر - شناسایی شدند که هیچ‌گونه فعالیتی در حوزه فرهنگ و هنر ندارند. نکته مهم این است که ما در ستاد در این شناسایی نقشی نداشتیم؛ خود ادارات کل استان و ادارات شهرستان‌ها این بررسی را انجام داده‌اند.

آیا این افراد شامل محدودیت از دریافت تسهیلات هم شدند؟

برای این افراد محدودیت‌های لازم اعمال شد؛ یعنی در دو سه سال اخیر نتوانسته‌اند در بیمه تکمیلی ثبت‌نام کنند، از بیمه تأمین اجتماعی استفاده کنند یا از سایر خدمات صندوق بهره‌مند شوند. برای هر کدامشان پرونده مشخصی وجود دارد و مسیر بررسی‌شان روشن است؛ از امضای مدیر شهرستان گرفته تا تأیید کارگروه استانی با حضور ۱۵-۱۰ نفر.

با این حال، به همه این افراد پیامک هم داده شد و فرصتی یک تا سه ماهه برای ارائه مدارک و مستندات گذاشته شد؛ اگر کسی می‌توانست ثابت کند که فعالیت هنری دارد و به هر دلیلی درست دیده نشده، پرونده‌اش مجدداً بررسی می‌شد. مجموع این موارد بازنگری شده در ۲۷ استان، نهایتاً حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر بود. از سوی دیگر، تقریباً در این چند سال هیچ شکایت جدی و موثری از کسانی که محدودیت برایشان اعمال شد، نداشتیم؛ دلایل این بود که مدل طراحی شده، دقیق و چندمرحله‌ای بود و تصمیم‌ها بر پایه شناخت محلی و بررسی جمعی گرفته شد.

طبیعی است که شناسایی هنرمند، مثل کارمند نیست که ساعت ورود و خروج ثبت شود. ممکن است هنرمندی یک سال یا شش ماه فعالیت نداشته باشد، اما همچنان هنرمند باشد. به همین خاطر، این طرح در ۲۷ استان حدود سه سال زمان برد تا به نقطه فعلی برسیم.

حالا آن دسته از افرادی که شناسایی شدند و فعالیت هنری نداشتند، چه وضعیتی دارند؟ عضویت‌شان لغو شده؟ اگر تسهیلاتی گرفته بودند چه می‌شود؟



وقتی یک جمعیت بزرگ در یک مجموعه از منافع مالی و خدمات حمایتی استفاده می‌کنند، تعیین تکلیف و شفاف‌سازی وضعیتشان زمان‌بر و دشوار است. مثل ماجرای یارانه‌ها که سال‌ها بحث بود چه کسی در کدام دهک است، چه کسی ناعادلانه حذف شده یا نشده. پالایش و تعیین تکلیف، کار آسانی نیست.

آن‌ها با محدودیت‌های جدی مواجه شده‌اند. در این دو سه سال، نتوانسته‌اند در بیمه تکمیلی ثبت‌نام کنند، از بیمه تأمین اجتماعی و سایر خدمات صندوق استفاده کنند. عملاً دسترسی‌شان به خدمات صندوق قطع شده است. برای هر نفر یک پرونده کامل وجود دارد؛ فرم‌ها، امضاهای مدیر شهرستان، تأیید کارگروه استانی و...؛ یعنی ثبت شده که این فرد هیچ‌گونه فعالیت هنری و فرهنگی ندارد. در گذشته، جعل اسناد و نامه‌های سفارشی و روابط رانتی کم نبود؛ ولی با این مدل، به نظر ما یک مجموعه نسبتاً شفاف و قابل دفاع شکل گرفته است. شاید دو سه استان باقی‌مانده هم تا آخر سال تعیین تکلیف شوند و بتوانیم با اطمینان بگوییم اعضای فعلی صندوق در یک چارچوب شفاف و دقیق قرار دارند. این خود یکی از مهم‌ترین گام‌ها در حوزه شفافیت بوده است؛ اینکه مجموعه‌ای دقیق و پالایش شده باشد و «چیز گم‌شده‌ای» در آن نباشد.

صندوق با این وسعت اعضا، حتماً